فصلنامه مطالعات حقوق
Journal of Legal Studies
شماره بیست و یکم. بهار ۱۳۹۷، صص۸۷-۷۷ Vol 2. No 21. 2018, p 77-87
شماره شاپا (۲۵۳۸-۶۳۹۵) ISSN: (2538-6395)

نقش پلیس در پیشگیری از جرم

قاسم مرادی[۱]. علی جودکی[۲]
۱. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی دانشگاه علوم و تحقیقات تهران. ایران
moradi0467@gmail.com
۲. کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خرم آباد. ایران

چکیده
پلیس سازمان امنیتی - انتظامی است است که در تمام کشورها، از جمله، وظیفه پیش‌گیری از جرایم را بر عهده دارد و بیش‌تر اولین نماینده عدالت کیفری است که با شهروندان در ارتباط می‌باشد. به همین دلیل نوع برخورد پلیس با مردم در شکل‌گیری طرز تلقی صحیح یا اشتباه از نظام امنیت شهری واجد اهمیت سیاسی است. جامعه امروزی برای حل مؤثر مشکل جرایم و برقراری امنیت اجتماعی که حق مسلم هر انسانی است، چشم امید به سوی پلیس دوخته است. تفکرات و راهبردهای پلیس نیز در حل معضل جرم و پیش‌گیری از وقوع آن با گذشت زمان سیر تکاملی به خود گرفته است. بررسی نقش محوری پلیس در پیش‌گیری از جرم و اهمیت وجود پلیس در پیش‌گیری و نقش تأمین کننده امنیت در این حوزه از اهداف این مطالعه است. پیش‌گیری از جرم یکی از جلوه‌های سیاست داخلی است که ارتباط تنگاتنگی با نظام سیاسی حاکم بر جوامع بشری دارد و از مؤلفه‌های مؤثر و مهم در ایجاد جامعه امن است. امروزه پلیس با بهره گیری از علوم مختلفی از جمله پیش‌گیری وضعی، جرایم را می‌تواند تشخیص دهد و تحلیل کند و راهکارهایی برای رفع آن‌ها ارائه دهد و از این رهگذر عملکرد خود را نیز ارزیابی کند.

واژه‌های کلیدی: پلیس، پیش‌گیری، امنیت، جرم

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

مقدمه

یکی از راهبردهای اساسی در حوزه کنترل اجتماعی «پیش‌گیری» است. راهبردهای عمدتاً پیشین و متشکل از راه‌کارهای مستقیم و غیرمستقیم که با هدف ایجاد امکانات و موقعیت‌های بازدارنده از جرم مطرح می‌شود. منظور ما از پیش‌گیری، مجموعه اقدام‌های سیاست جنایی به استثنای اقدام‌های کیفری است که غایت و هدف انحصاری یا لااقل جزیی از آن اقدامات، محدود کردن امکان وقوع مجموعه‌ای از جرایم از طریق غیرممکن کردن ارتکاب جرم، اجتناب کردن از ارتکاب جرم و کاهش احتمال‌های ارتکاب جرم است (ساداتی، ۱۳۹۰: ۲).

با وجود این، واژه پلیس در قوانین و مقررات و نیز در افکار عمومی به‌طور کلی با مفهوم سرکوبی جرم و مجازات همراه بوده است، اما از آغاز سال‌های دهه هفتاد میلادی، با پذیرش نهاد پیش‌گیری به‌عنوان قلمرو جدید سیاست کیفری در کنار قلمرو سنتی آن یعنی سرکوبی، بینش نوینی از مأموریت پلیس در جامعه مطرح شد.

بر همین اساس بند ۸ ماده ۴ قانون نیروی انتظامی مصوب ۱۳۶۹/۴/۲۷، پیش‌گیری از وقوع جرم را از جمله وظایف نیروی انتظامی دانسته که به‌عنوان ضابط قوه قضاییه عهده‌دار انجام آن می‌باشد. به این شکل وظایف متنوعی برای پلیس به‌منظور پیش‌گیری از وقوع جرم و جلوگیری از وقوع وضعیت‌های خطرناک و جرم‌زا به وجود آمده است (ساداتی، ۱۳۹۰: ۳-۲).

طبق قانون تشکیل نیروی انتظامی ۲۶ وظیفه برای این نیرو احصاء شده که در آن‌ها ناجا در تأمین امنیت نقش کلیدی دارد. کار ویژه تأمین امنیت توسط پلیس به‌عنوان یکی از ارکان‌های مهم تأمین امنیت توسط بسیاری از پژوهش‌گران مورد تأکید قرار گرفته است. اما آن‌چه در این تحقیقات مهم جلوه می‌کند تأکید بر نقش جامعه محور پلیس است. اگرچه پلیس سنتی سازمانی دولتی تصور می‌شد که اساساً مسئول اجرای قانون است و نقش پلیس در جامعه در حل مشکل جرم و جنایت خلاصه می‌شد، اما در رویکرد جامعه محور پلیس علاوه بر داشتن نقش‌های سنتی، به دنبال نوعی الگوی پلیسی مبتنی بر ارتقاء روابط و تعامل پلیس با جامعه مخدوم خود در پیش‌گیری و کنترل جرم است. آن‌چه محققین امور پلیسی در آن اشتراک نظر دارند این است که پلیس جامعه محور اساساً پلیسی در دسترس و مجاور است (راعی دیزج، گلابی، امین‌پور، ۱۳۹۳: ۱۱۶).

مفهوم‌شناسی

جرم:

عبارت است از اعمالی که سبب نقض قانون جنایی می‌شود. دائره‌المعارف علوم اجتماعی در تعریف جرم آورده است: «تخطی از حقوق جنایی در زبان روزمره؛ این اصطلاح نادرست درمورد هر رفتار مغایر با الگوهای پذیرفته جامعه به‌کار می‌رود» (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۱۵۲).

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

تعریف جرم در روان‌شناسی جنایی چنین آمده است: «جرم عبارت از سرکشی فرد در برابر اجتماع است که به‌وسیله مقررات قانونی تعبیر شده است و بر حسب شدت و ضعف از نظر حقوقی سه نوع است: خلاف، جنحه، جنایت» (سیاسی، ۱۳۶۰: ۱۲).

واژه پیش‌گیری یک مفهوم کلی است که به مجموعه اقدام‌هایی گفته می‌شود که برای پیش‌گیری و جلوگیری از فعل و انفعالات زیان‌آور تحمیل شده بر فرد یا گروه، به‌عمل می‌آید: مانند پیش‌گیری از بزه‌کاری جوانان، پیش‌گیری از حوادث جاده‌ای، پیش‌گیری از حوادث کار و. . . . از دیدگاه علمی منظور از پیش‌گیری هرگونه فعالیت اجتماعی، سیاسی و جنایی است برای محدودکردن امکان پیش آمدن مجموعه اعمال مجرمانه، دشوار ساختن، غیرممکن کردن و پایین آوردن احتمال وقوع جرم، بدون این‌که به کیفر یا جزای آن متوسل شوند.

جرم‌شناسان نیز پیش‌گیری از جرم را به دو گونه علمی تعریف می‌کنند:

الف: تعریف عام: در این تعریف، پیش‌گیری از جرم هر اقدامی است که از ارتکاب جرم جلوگیری و در مقابل آن سد ایجاد کند. این اقدامات شامل جنبه کیفری یا غیرکیفری است. بر اساس این تعریف هر اقدامی که علیه جرم و برای مقابله با آن طراحی شده باشد و موجب کاهش میزان بزه‌کاری و جرم شود، در حوزه تعریف عام پیش‌گیری قرار می‌گیرد.

ب: تعریف خاص: در این تعریف نقطه نظرات متفاوتی میان جرم‌شناسان وجود دارد که به آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. عده‌ای از جرم‌شناسان بر این اعتقادند که پیش‌گیری از بزه‌کاری عبارت است از: وسایل و ابزاری که دولت و جامعه مدنی به‌منظور خاص مهار بزه‌کاری از طریق حذف یا محدود کردن عوامل جرم‌زا و یا مدیریت مناسب نسبت به عوامل محیطی (محیط طبیعی یا محیط اجتماعی) به‌کار می‌گیرند.

۲. برخی دیگر از جرم‌شناسان معتقدند که پیش‌گیری از جرم دربرگیرنده تدابیر و اقداماتی است که میزان بزه‌کاری را کاهش دهد؛ بدین صورت که از یک سو علل اثرگذار برای ارتکاب جرم را شناسایی کرده و از سویی دیگر ابتکارات مناسبی را برای مبارزه با این علل اعمال کند.

۳. گروهی دیگر نیز بر این باورند که پیش‌گیری از بزه‌کاری مجموعه اقدامات غیر قهرآمیزی است که برای تحقق هدفی ویژه، یعنی مهار بزه‌کاری، کاهش احتمال وقوع جرم و کاهش شدت بزه در مورد علل جرائم اتخاذ می‌شود.

۴. عده‌ای دیگر تأکید دارند که پیش‌گیری هر تدبیر سیاست جنایی است که هدف نهایی آن تهدید حدود امکان پیشامد مجموعه اعمال جنایی، از راه غیرممکن ساختن، دشوار کردن یا کاهش دادن احتمال وقوع آن‌هاست، بدون این‌که از تهدید کیفر یا اجرای آن استفاده شود (احسانی، ۱۳۸۷: ۴۱-۳).

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

چرا پیش‌گیری؟

اگر در صدد پیش‌گیری اصولی از جرم باشیم، باید به بررسی و تحلیل علل آن بپردازیم. لزوم پیش‌گیری از جرم دارای منطقی عقلانی است. منطق عقلانی پیش‌گیری از جرم حداقل دارای سه وجه است : ۱- تورم بزه‌کاری؛ ۲- وجه اقتصادی؛ ۳- وجه اجتماعی.

درباره تورم بزه‌کاری، آمارهای رسمی در ایران به‌ویژه در مورد نوجوانان و جوانان نشان دهنده افزایش نرخ بزه‌کاری است. این بررسی‌ها در سال ۱۳۷۹ فقط در مورد جرایم مواد مخدر نشان می‌دهند که هر روز، ۵۰۰ نفر نوجوان به جرگه معتادان می‌پیوندند. بر همین مبنا در سال ۱۳۸۲ اعلام می‌شود که سن اعتیاد درکشور ۵ سال کاهش یافته است. از سوی دیگر، به حداقل رسیدن فاصله زمانی میان وقوع اولین ناهنجاری تا ارتکاب اولین جرم حرفه‌ای، و عدم پایبندی به قانون از سوی ۶۴ درصد تا ۷۰ درصد مردم جامعه حکایت از تورم میزان بزه‌کاری دارند. تورم بزه‌کاری تنها گریبان‌گیر کشور ما نیست بلکه مسئله‌ای جهانی است. این دغدغه تا آن‌جاست که سازمان ملل متحد تا سال ۱۹۹۵ حداقل ۱۰ کنگره تشکیل داده و چندین قطع‌نامه با موضوع پیش‌گیری از جرم تصویب کرده است.

وجه اقتصادی ناشی از گزینش عقلانی است؛ بدین معنا که انسان موجودی حساب‌گر است و در انتخاب‌های خود به محاسبه‌ی سود و زیان خویش دست می‌زند. تحقیقات در مورد نفع اقتصادی برخی از طرح‌های پیش‌گیرانه مانند مراقبت‌های اوان کودکی به‌عنوان یک راهکار پیش‌گیرانه اجتماعی نشان می‌دهد که به ازای هر یک دلار هزینه، تا ۷/۵ دلار صرفه‌جویی به دنبال داشته است. یا مثلاً هزینه کمک به دانش‌آموزان برای اتمام تحصیل و عدم ترک مدرسه، هشت برابر کم‌تر از هزینه‌های برخورد نظام عدالت کیفری با بزه‌کاری‌های آتی آنان است. از سوی دیگر، حل و فصل جرم از طریق عدالت کیفری بسیار هزینه‌بر است که هزینه جرم، معادل ۵ درصد و در کشورهای توسعه یافته، ۱۴درصد تولید ناخالص ملی است. مبنای جنبه اجتماعی منطق عقلانی، خیرخواهی و نوع دوستی انسان‌ها است.

با اوصاف فوق اگر مسئولیت برنامه‌ریزی و اجرای تدابیر پیش‌گیرانه جدی گرفته نشود، پیامدها و آثار به مراتب وخیم‌تری بر جامعه تحمیل خواهد شد (مقیمی، رفعتی اصل، ۱۳۸۹: ۶-۶۵).

رویکردهای پلیسی پیش‌گیری از جرم

نتایج حاصل از تحقیقات مربوط به بازدارندگی مجازات‌ها و ارزیابی‌های صورت گرفته از میزان کارآیی نظام عدالت کیفری در کنترل میزان جرم و پیش‌گیری از آن، منجر به شکل‌گیری رویکرد جدیدی به نام رویکرد چند نهادی به پیش‌گیری از جرم شده است. در این رویکرد، پیش‌گیری مؤثر از جرم زمانی صورت می‌گیرد که تمامی کنش‌گران غیررسمی و رسمی دخیل در زمینه پیش‌گیری به تعامل با یکدیگر دست یابند.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

پیش‌گیری پلیسی بر قابلیت‌های نیروی پلیس در تحقق اهداف پیش‌گیری از جرم مبتنی است به‌عبارت دیگر مبنای پیش‌گیری پلیس، اختیارات و توانایی‌های نیروی پلیس در پیش‌گیری از جرم در جامعه است. پلیس یکی از اجزای نظام عدالت کیفری است که در پیش‌گیری از جرم، امکان مداخله کیفری و غیرکیفری را دارد. نیروی پلیس به لحاظ داشتن اختیارات و ابزار ویژه می‌تواند، نقش بسزایی در کاهش نرخ جرایم خواه پیش از وقوع جرم و خواه پس از آن داشته باشد. از آن‌جا که پیش‌گیری از جرم اصولا مبتنی بر دو شیوه است (یعنی پیش‌گیری کیفری: پیش‌گیری بر نظام عدالت کیفری و پیش‌گیری غیرکیفری: پیش‌گیری از جرم خارج از نظام عدالت کیفری) بررسی مبانی پیش‌گیری پلیس مستلزم تبیت این مطلب است که این پیش‌گیری چگونه و تا چه میزان می‌تواند بر جهت تحقق اهداف پیش‌گیری کیفری و غیرکیفری مؤثر باشد. از این‌رو، پیش‌گیری پلیس، مجموعه تدابیر و اقدامات کنشی و واکنشی نیروی پلیس است که با حمایت از افراد در معرض خطر، افزایش آگاهی عمومی، نظارت بر اماکن، افزایش هزینه‌های ارتکاب جرم و مداخله وقوع جرم در صدد پیش‌گیری از ارتکاب جرم در جامعه است.

در مداخله کیفری، پلیس با سرعت و قدرت در فرآیند تعقیب و دستگیری، که خود یکی از عوامل بازدارنده نسبت به ارتکاب مجدد بزه است، فعالیت پیش‌گیرانه خود را انجام می‌دهد. جزء بازدارنده و ارعابی مداخله کیفری پلیس از سویی و بالا بردن احتمال دستگیری و افزایش ریسک ارتکاب جرم، قصد تمایل مجرمان احتمالی برای ارتکاب بزه را کاهش می‌دهد. و در پیش‌گیری غیرکیفری نیز پلیس از طریق مداخله و طراحی برنامه‌های پیش‌گیرانه از طریق نظارت بر مجرمان سابقه‌دار، گشت‌های خیابانی، نظارت بر مناطق جرم‌زا، نصب دوربین مدار بسته در معابر عمومی و جرم و بسیاری دیگر از برنامه‌های پیش‌گیرانه، پیش از ارتکاب جرم، آن‌را به کنترل خود درمی‌آورد (اکرمی، اکبری، ۱۳۹۵).

مراحل پیش‌گیری از وقوع جرم در فقه

اگرچه در متون فقهی بخش خاصی تحت پیش‌گیری از جرم وجود ندارد، اما با استخراج و دسته‌بندی کلیه مطالب که با این مبحث مرتبط است می‌توان گفت که اسلام در زمینه پیش‌گیری، دو مرحله دارد: مرحله اول به معرفی و پیش‌گیری از عوامل عمومی کلیه جرائم پرداخته که این مرحله را پیش‌گیری اولیه نام نهاده‌اند که مترادف پیش‌گیری از عوامل عمومی یا پیش‌گیری ابتدایی می‌باشد. در مرحله بعد به تبیین عوامل خصوصی جرم پرداخته و متعاقباً راه‌های پیش‌گیری از همان دسته از جرائم را بیان کرده است که این مرحله را پیش‌گیری ثانویه نام نهاده‌اند که همان پیش‌گیری خصوصی یا پیش‌گیری ثانویه است.

۱- پیش‌گیری اولیه از وقوع جرم

گاهی اوقات انسان از نظر اجتماعی، اقتصادی، روانی، در چنان وضعیت غیرعادی و نامتعادلی قرار می‌گیرد که آگاهانه یا ناآگاهانه دست به ارتکاب جرم می‌زند، لذا باید افراد را در شرایط عادی تحت آموزش

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

مستقیم و غیرمستقیم قرار داد و آنان را با نتایج زیان‌بار افعالی که ممکن است در هر یک از شرایط فوق عارض گردد آشنا ساخت تا از ارتکاب جرم خودداری نمایند. این نوع از پیش‌گیری مشتمل بر اقداماتی است که موجب از بین بردن یا کاهش دادن فرصت‌های مجرمانه می‌شود و یا از به‌وجود آمدن آن‌ها جلوگیری می‌کند بدون این‌که به جرم یا مجرم خاصی توجه داشته باشد و قبل از این‌که هیچ‌گونه علایم و نشانه‌هایی از بزه‌کاری بروز کرده باشد. این روش عمدتاً متمایل به تفسیر اوضاع و احوال و شرایط جرم‌زای محیط فیزیکی و اجتماعی است (یعنی بهبود شرایط زندگی).

۲- پیش‌گیری ثانویه از وقوع جرم

در این نوع پیش‌گیری، اقدامات در ارتباط با افراد و گروه‌هایی صورت می‌گیرد که در معرض ارتکاب جرم قرار گرفته‌اند و درصورتی که اقدام بازدارنده‌ای نسبت به آن‌ها صورت نگیرد، مرتکب جرم خواهند شد. بنابراین، هدف این نوع پیش‌گیری، تشخیص مجرمان بالقوه و مداخله در وضع ما قبل جنایی به‌منظور جلوگیری از وقوع جرم است. تفاوت اصلی این نمونه با نمونه پیش‌گیری اولیه در این است که در پیش‌گیری اولیه برنامه‌ها و اقدامات پیش‌گیرانه به‌منظور جلوگیری از پدید آمدن وضعی است که می‌تواند موجب وقوع جرم شود اما در پیش‌گیری ثانویه بر تلاش‌ها و وضعی متمرکز است که قبلاً پدید آمده و موجب قرار گرفتن افراد و گروه‌ها در آستانه ارتکاب جرم شده است (توسلی، صادقی، ۱۳۹۴: ۴۷-۸).

رویکردها و کارکردهای پلیس

از منظر مفهوم اقتدار، پلیس در درون جامعه دستگاهی است که موجبات همکاری میان دولت و حوزه عمومی را فراهم می‌کند. بنابراین، پلیس نقشی مضاعف دارد؛ از یک سو، نیروی دولتی اجبارآمیزی است که قدرت مشروع اجبار فیزیکی را به‌صورت قانونی در اختیار دارد و از سوی دیگر، یک نیروی مدنی است که هیچ فاصله‌ای میان او و مردم از این حیث وجود ندارد. ما تصاویر و جلوه‌های قدرت و مدنیت پلیس را هر روز در خیابان‌های شهر، در اماکن عمومی، رسانه ها و. . . مشاهده می‌کنیم.

جلوه نخست، یعنی اقتدار دولتی پلیس، در تأمین نظم، استقرار و حفظ امنیت متجلی می‌شود. هم‌چنان‌که دولت نماد قدرت، قانون و نظم است، پلیس هم تجسم ویژگی‌های نظام سیاسی می‌باشد و ساختار یک نظام سیاسی در عمل پلیسی نمود می‌یابد.

بُعد دوم، یعنی هویت مدنی و رویکرد پلیس، بیش‌تر در سطح عوامل پلیسی در حیطه عمل و رفتار پلیس ظهور می‌یابد؛ بدین معنا که پلیس با حفظ هویت سازمانی خود و با توجه به نوع فعالیت، وارد حوزه عمومی می‌شود و با شهروندان در فعالیت مدنی و اجتماعی مشارکت می‌جوید. پاسخ‌گویی به دریافت کنندگان خدمات پلیسی، تعامل ارتباطی با مردم و شهروندان و آموزش آنان از وجوه و کارکردهای مدنی و اجتماعی پلیس می‌باشد. منشأ و پیدایش پاسخ‌گویی، به تعامل حوزه عمومی و حوزه قدرت، یعنی ارتباط

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

دولت و جامعه مدنی باز می‌گردد. در واقع نهادهای مدنی و شهروندان که طی فرآیندهای قانونی، قدرت و حق حاکمیت خود را به حکومت واگذار می‌کنند، در مقابل خواستار خدمات و عملکرد دولت می‌باشند که از این منظر، دولت باید در برابر شهروندان پاسخ‌گو باشد. در این رویکرد، مسئولیت و قدرت پلیس که به‌طور غیرمستقیم از ناحیه‌ی شهروندان تفویض شده است، مستلزم و موجب پاسخ‌گویی پلیس، به حوزه عمومی، یعنی مصرف‌کنندگان خدمات پلیسی، می‌باشد (در این معنا، پلیس پاسخ‌گو همواره خود را با تحول‌های جامعه و سازوکارهای جدید مدنی هم‌سو می‌سازد و در چارچوب‌های رویکرد سنتی پلیسی باقی نمی‌ماند.) (ستوده گندشمین، دیندار بوسجین، ۱۳۹۳: ۱۳-۱۲).

رویکرد پلیس زن در پیش‌گیری وضعی از جرایم علیه زنان

۱- افزایش خطر شناسایی و دستگیری مجرمان

پلیس زن یکی از اهرم‌های قوی کنترل بزه‌کاری علیه زنان می‌باشد و بهینه کردن استفاده از این نیرو و سامان‌دهی آن می‌تواند در کاهش آمار بزه‌کاری علیه زنان نقش مؤثر و قطعی داشته باشد.

یکی از اهداف اصلی این‌گونه اقدامات، پیش‌گیری از جرایم از طریق تهدید مجرمان بالقوه به توقیف است. استقرار پلیس زن در مکان‌های آسیب‌پذیر و خاص، اقدامی در چارچوب پیش‌گیری وضعی محسوب می‌شود و می‌تواند ضمن شناسایی و حمایت از زنان آسیب‌پذیر و آسیب‌دیده، در جهت اصلاح و بازپروری جسمی و روانی آنان گام بردارد، مسلماً با این گونه اقدامات کنشی، وضعیت و اوضاع و احوال ما قبل و مشرف بر بزه‌کاری به ضرر مجرم تغییر می‌کند و از ارتکاب جرم در آن محدوده زمانی و مکانی یا نسبت به آماج معین پیش‌گیری می‌شود (قناد، ۱۳۹۱: ۶-۱۰۵).

۲- جلوگیری از بروز جرم بر اساس جنسیت در مکان‌های جرم‌خیز

یکی از مهم‌ترین راه‌کارهای پیش‌گیری وضعی قراردادن مأمور در مواضعی است که وقوع جرم علیه زنان و کودکان توسط زنان بزه‌کار محتمل است. در بسیاری از مکان‌هایی که خطر وقوع جرم در سطح بالایی وجود دارد، صرف حضور مأموران پلیس زن در امر پیش‌گیری از جرایم مؤثر است؛ زیرا حضور پلیس زن این حس را در زنان بزه‌کار ایجاد می‌کند که با سوء استفاده از جنسیت و پوشش و مسائل شرعی نمی‌توانند از زیر بار عواقب جرم فرار کنند و یا احیاناً آثار و مدارک جرم را به روش‌های زنانه محو و معدوم نماید یا به فرار سایر مجرمان کمک کنند.

هم‌چنین برخورد پلیس زن آموزش دیده با زنان بزه‌کار می‌تواند بسیار سازنده باشد؛ به نحوی که ضمن بررسی دقیق جرایم این‌گونه افراد با ظرافت‌های زنانه، از برچسب زدن و ایجاد حقارت و در نتیجه، غلتاندن زنان مستعد جرم به ورطه جرم و جنایت‌های بعدی جلوگیری کند.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

۳- مراقبت از آماج‌های جرم در مقابل مجرمان

از جمله وظایف پلیس زن در راستای پیش‌گیری وضعی از ارتکاب جرم، گشت‌زنی و کنترل دقیق در خیابان‌ها و مناطق آسیب‌پذیر برای حمایت از زنان و کودکانی است که در معرض حمله و هجوم مجرمان قرار می‌گیرند، به‌ویژه در مورد زنان که ممکن است در محل‌های جرم‌خیز مورد حمله و آزار و اذیت مجرمین قرار گیرند.

از جمله وظایفی که پلیس زن باید در حین پیش‌گیری از جرم بدان توجه نماید، حمایت از زنان آسیب‌دیده پس از وقوع جرم و برقراری ارتباط عاطفی با آنان است؛ زیرا معمولاً زنان جهت حفظ آبرو و حیثیت و ترس از انتقام‌جویی بزه‌کار بسیاری از جرایم را گزارش نمی‌دهند.

آسیب‌پذیری زنان بر پایه معیار ضعیف بودن از نظر جسمی نیز باید مهم تلقی شود. در این جرایم معمولاً زنان آماج‌های مناسبی برای بزه‌کاران انگاشته می‌شوند و چنان‌چه فرد نیز در فراهم آوردن وضعیت وقوع جرم نقش داشته باشد، به آسانی بزه‌دیده می‌شود. حمایت از زنان آسیب‌پذیر و آسیب‌دیده به‌تدریج به حمایت از قربانیان غیرمستقیم، یعنی افرادی که به نوعی با قربانی مستقیماً در ارتباط بوده یا تحت تکفل او هستند، نیز مرتبط می‌شود. بزه‌دیده در صورتی که امنیت داشته باشد، جرأت می‌کند به طرح دعوی و احقاق حقوق حقه خود، شناسایی مجرم یا مجرمان اقدام نماید. تأمین امنیت بزه‌دیدگان و گواهان آنان نه تنها مستلزم پیش‌بینی تدابیری برای جلوگیری از ورود آسیب‌های احتمالی هنگام رویارویی با متهم است، بلکه فراتر از آن در بردارنده تدابیری است برای پیش‌گیری از تهدیدها یا اقدامات تلافی‌جویانه متهم یا خانواده و دوستان او (قناد، ۱۳۹۱: ۱۰۷-۱۰۶).

نقش و جایگاه نیروی انتظامی در حفظ تأمین امنیت انسانی در کشور

نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران که به موجب قانون تشکیل نیروی انتظامی مصوب ۱۳۶۹/۴/۲۷ از ادغام شهربانی و ژاندارمری و کمیته انقلاب اسلامی به‌وجود آمده است، به موجب ماده ۳ قانون مذکور وظیفه استقرار نظم و امنیت و تأمین آسایش عمومی و فردی و پاسداری از دستاوردهای انقلاب اسلامی را بر عهده دارد - امنیت انسانی با حوزه‌های هفت‌گانه مرتبط با آن، نیز بالطبع در مأموریت نیروی انتظامی قرار می‌گیرد زیرا استقرار نظم و امنیت و تأمین آسایش فردی و عمومی از ملزومات امنیت انسانی هستند و به‌عنوان مبنا و پایه آن به‌شمار می‌روند (عبدالهی، حسینی، ۱۳۸۵: ۴۶).

جرم و ناامنی؛ تهدید جدی برای امنیت انسانی

تقریباً در هر جایی از کره زمین، شاخص‌های جرائم علیه اشخاص و اموال رو به رشد است. بین سال‌های ۱۹۷۵ و ۱۹۹۰، شمار جرائم سالیانه گزارش شده در جهان، از ۳۵۰ میلیون مورد به ۵۰۰ میلیون مورد افزایش پیدا کرد. بنا به آمار سازمان ملل متحد، جرائم خشونت‌آمیز در خلال دهه منتهی به سال ۲۰۰۰، در حدود

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

٪۱۰ رشد داشته است. جرائمی نظیر سرقت، زورگیری و کلاه‌برداری، ۷۰٪ جرائم گزارش شده را تشکیل می‌دهند و بین سال‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰، ۳۰٪ افزایش یافته‌اند. در مورد تمام دسته‌های جرائم، بیش از سه چهارم این جرائم در مناطق شهری ارتکاب یافته است. سرقت و حمله از علل اصلی بزه‌دیدگی در کشورهای صنعتی بوده است. در بسیاری از کشورها، رشد اقتصادی و توسعه شهری همراه با دو یا سه برابر شدن جرائم نسبت به ۱۰ یا ۲۰ سال قبل است.

هرچند که خطر بزه‌دیدگی در هر شهر یا محله‌ای نسبت به شهر یا محله دیگر متفاوت است، با این حال این امر نیز واقعیت دارد که ساکنین مناطق مسکونی و تجاری اهداف بهتری برای بزه‌کاران هستند. نرخ جرائم علیه اموال اساساً با خصوصیات زندگی شهری مانند تراکم بالای جمعیت، گم‌نامی، کثرت کالاهای گرانبها و توسعه شهری (که فرصت‌های بیش‌تری را برای ارتکاب جرم ارائه می‌دهد)، افزایش پیدا می‌کند.

خواه در یک شهر آفریقایی یا در یک مرکز شهری در یک کشور صنعتی، نرخ سرقت (یکی از شایع‌ترین جرائم علیه اموال) یکی از بهترین شاخصه‌های سطح کلی جرم در یک منطقه معین به‌شمار می‌رود.

خشونت جلوه‌های مختلفی دارد. خشونت علیه زنان و کودکان، وضعیت خاص و هشدار دهنده‌ای داشته و محدود کردن آن دشوار است. در حالی که این جرم به جای فضاهای عمومی در اماکن خصوصی اتفاق می‌افتد، هزینه‌های اجتماعی و انسانی این شکل گسترده از خشونت قابل توجه است. خشونت هم‌چنین با واقع شدن در یک محیط بسیار پیچیده به‌وسیله تمام عوامل مستقیم یا غیر مستقیم مرتبط با بحران‌های اقتصادی، محرومیت اجتماعی، جریان مهاجرت و پاشیدگی روابط اجتماعی، به سوء کارکرد اجتماعی و بازتولید گرایش‌های خشن کمک کرده است (محمد نسلی، ۱۳۸۷: ۳۶۸).

نتیجه‌گیری:

امنیت اجتماعی به‌عنوان متغیر وابسته دارای دارای ابعاد عینی، ذهنی، روانی و فرهنگی است که این ابعاد از مستندات بالادستی و نظر صاحب‌نظران غربی و اسلامی استنباط و استخراج گردیده است. هر یک از ابعاد مورد نظر دارای گویه‌هایی می‌باشند که این گویه‌ها قابل اندازه‌گیری بوده و نقش آن‌ها در ساختن بعد مورد نظر و نهایتاً در تأمین امنیت اجتماعی کاملاً برجسته است و در مجموع برآیند شاخص‌ها منجر به احساس امنیت در جامعه و مردم می‌گردد. منظور از بعد عینی، کاهش یا فقدان جرم یا جنایت و نهایتاً ناهنجاری‌های اجتماعی است که از مهم‌ترین شاخص‌های وجود امنیت در جامعه می‌باشد. نقش پلیس در کنترل جرایم و سالم‌سازی محیط اجتماعی با انجام اقدام‌های پیش‌گیرانه و اقدام‌های بازدارنده نقشی مؤثر بر امنیت می‌باشد. منظور از بعد ذهنی آن بعد از امنیت اجتماعی است که با احساس و ادراک عموم در بود و نبود امنیت مستقیماً سر و کار دارد. شاخص‌های این بعد از امنیت دقیقاً بر امنیت اجتماعی مؤثر است و به رضامندی و عدم رضایت مردم از پلیس ارتباط مستقیم دارد، کارآمدی و توانمندی پلیس در ایجاد و امنیت اجتماعی ارتباط مستقیم با احساس امنیت مردم از وجود یا عدم وجود امنیت دارد. بعد فرهنگی امنیت

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

اجتماعی به‌طور دقیق مربوط به وجود ارزش‌ها، باورها و اعتقادهای دینی مردم بوده و در حال حاضر به‌عنوان جدی‌ترین مشکل در بحث امنیت اجتماعی است. آخرین بعد امنیت اجتماعی، بعد روانی است که به امنیت جان، مال، شغل، اندیشه، آزادی، امنیت قضایی و انتظامی افراد جامعه مربوط می‌شود که مرتبط با حاکمیت و نهادهای آن در تأمین امنیت اجتماعی مردم می‌گردد و شاخص‌های آن نیز قابل اندازه‌گیری می‌باشد (موسوی فرد و همکاران، ۱۳۹۶: ۶۳).

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

فهرست منابع و مآخذ:

ـ احسانی، بهمن (۱۳۸۷)، نقش طراحی محیطی در پیش‌گیری از جرم، مقالات ارسالی اولین همایش ملی پیش‌گیری از جرم، دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیش‌گیری ناجا.

ـ اکرمی، سام؛ اکبری، عاطفه (۱۳۹۵)، نقش پلیس در پیش‌گیری از جرم قاچاق کالا، کنفرانس ملی فقه، حقوق و روان‌شناسی.

ـ توسلی، محمدحسین؛ صادقی، محمدامین (۱۳۹۴)، آموزه‌های اسلامی پیش‌گیری از جرم، سال دوازدهم، شماره ۳۲، ص ۷۳-۴۲.

ـ راعی دیزج، توحید؛ گلابی، فاطمه؛ امین‌پور، فرشته (۱۳۹۳)، بررسی تأثیر عملکرد پلیس در ایجاد امنیت روانی سرمایه‌گذاران، فصل‌نامه دانش انتظامی آذربایجان شرقی، سال چهارم، شماره دوم (پیاپی ۱۳).

ـ ساداتی، سید محمدمهدی (۱۳۹۰)، پلیس و پیش‌گیری از جرایم بدون بزه‌دیده، فصل‌نامه نظم و امنیت انتظامی، شماره اول، سال چهارم.

ـ ساروخانی، باقر (۱۳۷۰)، دایره‌المعارف علوم اجتماعی، کیهان.

ـ ستوده گندشمین، مجتبی؛ دیندار بوسجین، رقیه (۱۳۹۳)، رویکرد اجتماعی پلیس و تأثیر آن بر احساس امنیت خانواده‌ها، سال هفتم، شماره ۴، پیاپی ۲۳، ص ۳۱-۹.

ـ سیاسی، علی‌اکبر (۱۳۶۰)، روان‌شناسی جنایی.

ـ عبدالهی، اسماعیل، حسینی، سیدکرامت (۱۳۹۵)، نقش و جایگاه نیروی انتظامی در پیش‌گیری از وقوع جرم و جنایت در چارچوب مفهوم (نظریه امنیت انسانی)، مجله علمی تخصصی علوم انسانی اسلامی، سال اول، شماره ۱۰، جلد ۵، ص ۵۰-۳۸.

ـ قناد، فاطمه (۱۳۹۱)، نقش پلیس زن در پیش‌گیری از جرایم علیه زنان و کودکان، فقه و حقوق خانواده، دوره ۱۷، ش ۵۶، ص ۱۱۵-۹۷.

ـ محمد نسلی، غلام‌رضا، (۱۳۸۷)، امنیت انسانی، پلیس و پیش‌گیری از جرم، همایش بین‌المللی امنیت انسانی در غرب آسیا.

ـ مقیمی، مهدی؛ رفعتی اصل، سید عزیز (۱۳۸۹)، پلیس و راهبردهای وضعی پیش‌گیری از جرم، فصل‌نامه علمی - پژوهشی انتظام اجتماعی، سال دوم، شماره اول.

ـ موسوی‌فرد، سید محمدرضا؛ کرمی، عارف؛ مؤمنی، سجاد؛ امیدیان زاد، رضا (۱۳۹۶)، نقش پلیس در پیش‌گیری از جرایم و راهکارهای پیش‌گیری از جرم، مجله نخبگان علوم و مهندسی، جلد ۲، شماره ۳، ص ۶۴-۵۳.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]